

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصہ کتاب فلسفہ روانشناسی

نویسنده:

ماریو بوئرہ

مترجمان:

دکتر محمد جواد زارعان و همکاران

پیشگفتار:

- علوم انسانی، بیانگر ویژگی‌های انسان‌اند.
- فلسفه، رگ حیات و پایه بنیادنی برای همه علوم انسانی است.
- به اعتقاد بوئژه، علت اساسی رکود نظری روانشناسی، بعد فلسفی آن است.

فصل اول: هدف فلسفه علم روانشناسی چیست؟

- فلسفه در بدو ظهور، همه علوم را در بر می‌گرفت و فیلسوفان، جامع معقول و منقول بودند.
- امروزه فلسفه، شاخه‌ای از علوم انسانی است و فلاسفه، بیشتر به مسائل خاص مفهومی توجه می‌کنند.
- شایع‌ترین شیوه فلسفی کردن، این است که به کمک مخلوطی از دانش معمولی رایج، ته مانده‌ای از میراث فلسفی و منطق، درباره برخی از مسائل عمومی تأمل شود.
- پیازه، شیوه فوق را فلسفه تخیلی می‌نامد.
- در سال ۱۸۵۰ و با پیدایش روان‌فیزیک، روانشناسی استقلال خود را از فلسفه بدست آورد.
- کتاب مفهوم ذهن نوشته رایل، منحصر بر رفتارگرایی افراطی تکیه می‌کند.
- فلسفه ذهن استراسون در کتاب افراد، به همان ایده قرون وسطایی بر می‌گردد که انسان، ترکیبی از بدن و روان است.
- دیدگاه پوپر، بازمانده بلافصل دیدگاه کنش متقابل دکارت در دوگانگی تن و روان است.
- در کتاب پوپر از قانون پایستگی انرژی سرپیچی شده است.

تأثیر فلسفه بر روانشناسی:

- ✓ فلسفه از ۲۰۰۰ سال پیش بر روانشناسی اثر می‌گذارد: یکی از طریق فرضیه‌های مربوط به ماهیت روان و روش مناسب مطالعه آن و دیگری از رهگذر اصولی کلی که زیربنای تحقیقات علمی در هر رشته‌ای است.
- ✓ اگر روان را همچون یک هویت مجرد در نظر بگیریم، یعنی دیدگاه ایده‌آلیستی یا روح‌گرایی راجع به روان پذیرفته‌ایم و ناگزیر از داشتن روانشناسی ذهن‌گرا هستیم.
- ✓ هدف ذهن‌گرایی، توصیف حالات ذهنی یا روانی به ویژه جریان آگاهی و تأثیر آنها بر حالات بدنی است.
- ✓ بخش عمده روانشناسی کلاسیک، ذهن‌گرا و نشأت گرفته از آرمان‌گرایی فلسفی است.
- ✓ رفتارگرایی بیشتر در واکنش در مقابل ذهن‌گرایی و در ارتباط نزدیک با اثبات‌گرایی که نوعی فلسفه تجربی بوده تکامل یافت.
- ✓ رفتارگرایی، وجود روان و یا دست کم امکان مطالعه علمی آن را نفی کرد.
- ✓ رفتارگرایی در یک نقطه مشترک با ذهن‌گرایی، توجه خود را از سیستم عصبی دور نگه داشت و تنها بر محیط طبیعی (رفتارگرایی زیستی) یا محیط اجتماعی (رفتارگرایی اجتماعی) متمرکز شد.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی با هر دو مکتب ذهن‌گرایی و رفتارگرایی تفاوت دارد.
- ✓ نقطه اشتراک روان‌زیست‌شناسی با ذهن‌گرایی، در باور به وجود حالات روانی است و محل تلاقی آن با رفتارگرایی، باور به ضرورت پژوهش به روش علمی است.
- ✓ روان‌زیست‌شناسی می‌انگارد که رفتار، نتیجه فرآیند عصبی است که گاه با محرکی خارجی به جریان می‌افتد در حالی که حالات ذهنی، حالات خاصی از مغز است.
- ✓ دیدگاه روان‌زیست‌شناسی، ریشه در یونان باستان داشته و همان عقیده آلکمایون است که بقراط نیز آن را پذیرفت.
- ✓ این رای ضعیف که مغز چیزی جز یک وضعیت و حالتی از ماده نیست، دیدگاه مشترک تمام فلسفه‌های ماده‌گراست.

- ✓ کانت و پیروان وی در قرن ۱۹، گروهی به نام مکتب تاریخی - فرهنگی یا انسان‌گرا تشکیل دادند و اعلام کردند روانشناسی نمی‌تواند یک علم طبیعی باشد بلکه یک علم روحی (عقلی) همراه با علوم اجتماعی است.
- ✓ اینکه روح، مجرد و عاری از قانون فرض شود، هنوز در برخی مکاتب به ویژه در روانشناسی انسان‌گرا، روان تحلیل‌گری و تا حدودی در روانشناسی تحلیل زبانی چامسکی مشهور است.
- ✓ مکتب انسان‌گرایی با ایجاد مانع میان انسان و طبیعت، مطالعه در مورد انسان را به تاخیر انداخته است.
- ✓ دیدگاه آرمانگرا در مورد ویژه بودن انسان را با ۲ اصل زیر می‌پذیریم: الف) انسان نتیجه فرآیند طولانی تکاملی است که صرفاً عوامل مادی در آن دخیل بوده است ب) انسان‌ها می‌توانند به شکل علمی مطالعه شوند.
- ✓ اصل الف در ماده‌گرایی حدوثی و اصل ب، جزئی از واقع‌گرایی علمی است.
- ✓ ماده‌گرایی یک نظریه هستی‌شناختی و واقع‌گرایی، دیدگاهی در شناخت‌شناسی است.

فلسفه‌های روان:

- ✓ فلسفه‌های متعدد روان به ۲ گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: وحدت‌گرایی روان فیزیکی (روان تنی) و دوگانه‌گرایی روان فیزیکی.
- ✓ وحدت‌گرایی بر آن است که ماده و روان، به شکلی، یک امر واحد هستند.
- ✓ دوگانه‌گرایی بر آن است که ماده و روان، دو امر متفاوت هستند.
- ✓ تقسیم وحدت‌گرایی و دوگانه‌گرایی با تقسیم سنتی آرمان‌گرایی - ماده‌گرایی تفاوت دارد و هر دو جناح شامل آرمان‌گراها و ماده‌گراها هستند.
- ✓ افلاطون و هگل، هر دو آرمانگرا بودند اما افلاطون در سلک دوگانه‌گرایان قرار دارد در حالی که هگل، یک وحدت‌نگر است.
- ✓ داروین، وگت، بوخنر و مولشت هم ماده‌گرا بودند و هم طرفدار پدیده همانندی.
- ✓ تقسیم وحدت‌گرایی و دوگانه‌گرایی جدا از مسائل شناخت‌شناسی بوده و نه با تقسیم دوگانه ذهن‌گرا - واقع‌گرا هماهنگ است و نه با تقسیم تجربه‌گرا - عقل‌گرا.
- ✓ آیر و کوئین تجربه‌گرا هستند ولی آیر دوگانه‌نگر و کوئین فیزیک‌گرا است.
- ✓ پوپر و اسمارت واقع‌گرا هستند در حالی که پوپر دوگانه‌نگر و اسمارت وحدت‌گرا است.
- ✓ بیشتر فلسفه‌های روان، مجمل‌اند و در نتیجه، دستخوش تضادهای هرمنوتیک مبهم و بی‌پایان هستند.
- ✓ ارسطو از سویی دیدگاه آرمان‌گرایی و فطری‌نگری افلاطون را به نقد کشیده و از طرف دیگر بدن را با ارواح حیوانی پر کرده و به وجود ذوات ماورای طبیعی معتقد می‌شود.
- ✓ لنین که خود را یک ماده‌گرا می‌داند، زمانی که به مسئله تن - روان می‌رسد، دچار لغزش می‌شود.
- ✓ تاثیر لنین بر فلسفه امروز مارکسیستی چنان است که در میان ملتی که فلسفه مارکسیست - لنینیست رایج است، دوگانه‌گرایی روان - فیزیکی مشهورترین فلسفه روان به شمار می‌آید.